

[مشارکت در قتل 1](#_Toc507352804)

[صور مشارکت 2](#_Toc507352805)

[صورت اول: تحقق جنایات در عرض واحد؛ قصاص بر جمیع بر اساس نص خاص 2](#_Toc507352806)

[صورت دوم: تحقق جنایات به تناوب 2](#_Toc507352807)

[ثبوت قصاص بر جنات متعدد (مشهور) 2](#_Toc507352808)

[وجه اول در ثبوت قصاص بر جنات متعدد در جنایت متناوب (مشهور): جلوگیری از حمل مطلق بر فرد نادر 3](#_Toc507352809)

[اشکال: عدم قبح تعرض فرد نادر 3](#_Toc507352810)

**موضوع**: قتل به تسبیب/مراتب تسبیب/مرتبه چهارم/صورت ششم/اشتراک در قتل /قتل عمد /کتاب القصاص

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در بررسی و بیان صور هر یک از مراتب قتل و جنایت به تسبیب به صورت ششم از مرتبه چهارم رسید که به مناسبت، بحث اشتراک در قتل مطرح می شود.

به مناسبت بحث مرحوم محقق و مرحوم آقای خویی ره در صورت ششم و طرح مشارکت در قتل که در این فرض مورد پذیرش مرحوم محقق ره هم واقع نشد و قتل را به جانی دوم مستند دانست؛ بحث مشارکت در قتل مطرح می شود.

در مورد صورت ششم، گفته شد که حق این است که باید قضیه بررسی شود و اگر به گونه ای بود که جنایت دوم تأثیری ولو به نحو تعجیل هم در قتل ندارد، طبق قاعده باید مسؤولیت قتل را متوجه جانی اول دانست، کما اینکه در قطع لوله اتصال آب و قطع ثانویه آن از موضعی قبل تر و جلوتر، تلف آب در خروج آن مستند به قاطع اول است.

البته قاطع دوم هم در این قطع، مرتکب جرم و ایراد خسارت شده است و لذا ضامن ضرر است اما مسؤولیت خروج آب بر عهده او نیست.

##### مشارکت در قتل

بعد از فراغ از بحث موردی در بحث مشارکت در قتل، نوبت به بحث کبروی در آن می رسد که ضابطه مشارکت این است که با ایراد جنایت متعدد از اشخاص متعدد که هر یک بالفعل و به نحو جزء المؤثر تأثیر در قتل دارد. در چنین صورتی بحث در این است که آیا مسؤولیت قتل متوجه جانی متأخر است یا اینکه مسؤولیت با هر دو جانی است؟ مثل جایی که قطع یک انگشت به تنهایی کشنده فرض نمی شود ولی ضمیمه قطع انگشت دیگری به آن، منجر به مرگ مجنی علیه می شود.

###### صور مشارکت

صورت اول: تحقق جنایات در عرض واحد؛ قصاص بر جمیع بر اساس نص خاص

سابقا گفته می شد که اگر این دو جنایت در عرض هم واقع شده باشد؛ هر دو قاتل و جزء القاتل محسوب می شوند، که مقتضای نصوص این است که جزء القاتل مثل قاتل تمام هم قابل قصاص است با رد فاضل دیه، که البته امری بر خلاف قاعده است ولی به دلیل وجود دلیل خاص، قصاص هر دو پذیرفته می شود؛ «عَشَرَةٌ قَتَلُوا رَجُلًا فَقَالَ إِنْ شَاءَ أَوْلِيَاؤُهُ قَتَلُوهُمْ جَمِيعاً».[[1]](#footnote-1)

از آنجا که هر کدام از جانیان، به تنهایی قاتل محسوب نمی شوند، نمی توان با اطلاق «القاتل یقتص» و بر طبق قاعده حکم به قصاص هر دو جانی نمود اما با توجه به مقتضای نصوص، جزء القاتل هم در حکم قاتل تمام به حساب می آید.

بنابراین، حدوث و صدور جنایات متعدد در عرض واحد، مستلزم ثبوت قصاص بر جانیان متعدد است.

صورت دوم: تحقق جنایات به تناوب

اما در جایی که جنایت دوم به نحو متناوب صادر شده باشد، حکم قصاص متوجه جانی دوم است و جانی اول مسؤولیتی در قبال قتل ندارد و نوبت به رد فاضل دیه هم نمی رسد.

ثبوت قصاص بر جنات متعدد (مشهور)

این در حالی است که در برخی از صور تناوب، مشهور حکم به قصاص هر دو جانی نموده اند؛ کما اینکه اگر هر دو جانی به قصد قتل، اقدام به قطع انگشت نموده باشند با علم به اینکه قطع یک انگشت به تنهایی منجر به قتل نمی شود ولی قطع دو انگشت قتل را در پی دارد. در واقع از دید مشهور این فرض هم در حکم جنایت در عرض واحد محسوب می شود.

آنچه موضوع در ادله است، عنوان قاتل است، و لذا اگر ده نفر هم قاتل محسوب شوند، محکوم به قصاص خواهند بود که گفته شد صدق این عنوان متوقف بر این است که تمام جنایات در عرض واحد حادث شده باشند، اما در این فرض اخیر، با وجود عدم صدق این عنوان حکم به قصاص، جانی اول می شود که باید دید چه وجهی دارد.

وجه اول در ثبوت قصاص بر جنات متعدد در جنایت متناوب (مشهور): جلوگیری از حمل مطلق بر فرد نادر

حمل روایات موجود در مقام، بر فرضی که جنایات متعدد در عرض واحد هستند، حمل مطلق بر فرد نادر است؛ چرا که اگر مراد از روایتی مثل روایت مذکور که دال بر قتل یک نفر توسط ده نفر است؛ وقوع جنایات متعدد در عرض واحد باشد، امری بعید و عجیب رخ داده است، لذا باید گفت مراد تحقق جنایات مختلف در مجلس واحد است که از دید عرف به نوعی جنایاتی در عرض واحد محسوب می شود و لذا به تعبد شارع حکم به قصاص غیر قاتل نموده است.

اشکال: عدم قبح تعرض فرد نادر

حق این است که بیان فوق تمام نیست؛ چرا که قبیح حمل مطلق بر فرد نادر است، اما تعرض فرد نادر که قبیح نیست، به عنوان مثال اگر شارع حکم انسان دو سر را بیان کند، قبحی ندارد، لذا در مقام نیز بیان حکم فرد نادری در تحقق جنایت، قبیح نیست.

به عبارت دیگر این که دلیل از ابتدا متعرض فرد نادری شود، به هیچ وجه بعید نیست و آن استهجان و قبحی که در حمل مطلق بر فرد نادر وجود دارد، پیش نمی آید.

بنابراین، حق این است که مقتضای نصوص، قصاص جنات متعدد در فرض تناوب جنایات نیست و برای توجیه نظر مشهور در مقام، می بایست دلیل دیگری اقامه نمود.

1. . [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج7، ص283.](http://lib.eshia.ir/11005/7/283/) [↑](#footnote-ref-1)